

ماه رمضان بهار انس با قرآن

۸مهر / رسالت

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی اشتهاوردی

اشاره

ماه مبارک رمضان، ماه تولد قرآن، ماه انس با قرآن، ماه بهار قرآن، و ماه شناخت و بهره‌برداری فکری و عملی از قرآن فرا می‌رسد. ماهی که در شب قدر آن، قلب پیامبر اکرم (ص) همه قرآن را از امین وحی، فرا گرفت و قرآن از لوح محفوظ بر قلب وسیع و نورانی بزرگ‌ترین پیامبران منعکس شد، ماهی که همه ما با روزه گرفتن و عبادت و مناجات و دعا، با زمینه‌سازی و آمادگی معنوی به استقبال دریافت قرآن می‌رویم، و می‌خواهیم در پرتو آثار پربرکت روزه خالص، و عبادت‌ها و دعا‌های همراه آن، رابطه خود را با قرآن نزدیک‌تر کنیم، و تصمیم بگیریم که خط رابط ما با قرآن همواره استوارتر و محکم‌تر گردد.

قرآن، روح ماه رمضان است که در کالبد آن دمیده شده، و ارزش و عظمت آن را چند برابر کرده است. قرآن، قلب ماه رمضان است، که بدون این قلب و ضربان آن، جوهره حقیقت در رگ‌های حیات معنوی روزه داران به جریان نمی‌افتد، قرآن بهار دل‌ها، و ماه رمضان، بهار قرآن است، چنان که امام باقر (ع) فرمود: «الکل شیء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان؛ برای هر چیز بهاری است، و بهار قرآن ماه رمضان است.»

و امیر مومنان علی (ع) در شان قرآن فرمود: «و تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب؛ در قرآن بیندیشید که بهار قلب‌هاست.»

و نیز باید توجه داشت که مطابق فرموده امام صادق (ع): «و قلب شهر رمضان ليله القدر؛ شب قدر، قلب ماه رمضان است.»

از این رو باید گفت که بخش اعظم برکات ماه رمضان، در رابطه با قرآن است، و در این ماه باید بذر دستوره‌های نورانی قرآن را در مزرعه دل‌ها بکاریم، تا رشد و نمو کند و سرانجام میوه قرآن را در این ماه برای غذای روح بگیریم، و قوت قلبمان را در پرتو برکات قرآنی این ماه، بیمه نماییم، و چنین بهره‌برداری جز از راه انس حقیقی با قرآن به دست نخواهد آمد.

انس با قرآن

امیر مومنان علی (ع) فرمود: «من انس بتلاوه القرآن، لم توحشه مفارقة الاخوان؛ کسی که با تلاوت قرآن، انس و الفت گرفت، از جدایی دیگران به وحشت نمی‌افتد.»

در اینجا پرسیده می‌شود که حقیقت انس با قرآن چیست که انسان را این گونه استوار و نیرومند می‌سازد، و هرگونه اضطراب و تنش را از او دور می‌کند؟

پاسخ آن که: انس در اصل به معنای خو گرفتن و همدم شدن است، مانند انس کودک شیرخوار به سینه مادر، و گاهی انس آن چنان شدید و سرشار است، که از انس کودک شیرخوار به سینه مادرش نیز بیشتر است، چنان که امیر مومنان علی (ع) در برابر منافقان کوردلی که او را به مرگ تهدید می‌کردند، فرمود: «والله لابن ابی طالب انس بالموت من الطفل بثدی امه؛ سوگند به خدا علاقه فرزند ابوطالب به مرگ (شهادت) از علاقه کودک شیرخوار به پستان مادرش بیشتر است.»

عارف حقیقی کسی است که با خدا و کلام او چنین انس و الفتی داشته باشد، که امیر مومنان علی (ع) در توضیح آیه «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم؛ ای انسان چه چیز تو را به پروردگارت مغرور ساخته است.» فرمود: «وکن لله مطیعا و بذکره أنسا؛ مطیع خداوند باش و به یاد خدا انس بگیر.»

بنابراین مفهوم انس حقیقی، همان همدم شدن آمیخته با عشق و علاقه گرم و ناگسستی است که ارتباط و پیوند انسان را به آن چه که مورد انس اوست محکم و متصل می‌کند، چنین انسی با خدا و کلام خدا (قرآن) از ویژگی‌های اولیای خدا و هر مومن عارف و وارسته است، چنان که امیر مومنان علی (ع) در مقام دعا می‌گوید: «اللهم انک انس الأنسین لاولیائک ... ان اوحشتهم الغریبه أنسههم ذکرک؛ خدایا! تو برای اولیا و دوستان خاصت، مانوس‌ترین مونس‌ها هستی... اگر غربت آنها را به وحشت اندازد، یاد تو مونس تنهایی آنهاست.»

۱۰۲۹

از آن جا که ماه رمضان، ماه نزول قرآن، ماه خدا و ماه تزکیه و تهذیب است و قرآن در شب قدر که در این ماه قرار گرفته، در قلب پیامبر اکرم (ص) تجلی کرده، نتیجه می‌گیریم که ماه رمضان تجلی‌گاه قرآن، و ماه انس با قرآن است، روزه‌داران مومن در این ماه مهمان خدا هستند و در کنار خوان پربرکت قرآن نشسته‌اند، و بنابراین باید با تلاوت قرآن انس بگیرند، و با تدبر در آیات قرآن و بهره‌گیری فکری و عملی از مفاهیم قرآن بر رشد و تکامل ملکوتی خود بیفزایند، بر همین اساس، پیامبر (ص) در فرازی از خطبه شعبانیه که در آخرین جمعه شعبان ایراد کرد، فرمود: «هو شهر دعیتم فیہ الی ضیافه الله ... و من تلافیه آیه من القرآن کان له مثل اجر من ختم القرآن فی غیره من الشهور؛ ماه رمضان ماهی است که شما در آن به مهمانی خداوند دعوت شده‌اید... کسی که از شما یک آیه قرآن را در این ماه بخواند، پاداشش معادل ختم قرآن (تلاوت قرآن از آغاز تا پایان) در ماه‌های دیگر است.»

و در دعا‌های ماه رمضان، سخن از قرآن و انس با آن، به عنوان کتاب ارشاد و هدایت بسیار به میان آمده است، در دعا‌های هر روزه ماه رمضان که از رسول خدا (ص) نقل شده، در فرازی از دعای روز دوم می‌خوانیم: «اللهم وفقنی فیہ لقرائه آیاتک؛ خدایا مرا در این روز برای قرائت آیات قرآن، موفق کن.» و در دعای بیستم می‌خوانیم: «اللهم وفقنی فیہ لتلاوه القرآن؛ خدایا مرا در این روز برای تلاوت قرآن توفیق ده.»

در این دو عبارت که به صورت دعاست، هم به قرائت و روخوانی قرآن توجه شده و هم به قرائت تدبر آمیز و توأم با عمل، زیرا واژه تلاوت در اصل از «تلو و تالی» است که به معنای دنباله‌روی و پیروی تنگاتنگ و بدون هرگونه درنگ و فاصله می‌باشد. روشن است که چنین توفیقی جز در پرتو انس حقیقی با قرآن به دست نمی‌آید. انس با قرآن در حقیقت از سه پایه تشکیل شده که عبارتند از: ۱- خواندن آیات قرآن ۲- تدبر و شناخت قرآن ۳- عمل به دستورهای قرآن. بر همین اساس امام باقر (ع) در یک تجزیه و تحلیل کوتاه فرمود:

قرآن خوانان بر سه گروه‌اند: ۱- خواندن قرآن را سرمایه کسب مادی خود قرار دهند، و با قرائت قرآن، پادشاهان را بدوشند، و در برابر مردم بزرگ نمایی کنند. ۲- در خواندن قرآن، حروف (و تجوید) آن رعایت کنند، ولی حدود و مرزها و برنامه‌های قرآن را تباه سازند، قرآن برای آنها همانند جام آب نگهدارنده است (که هنگام تشنگی و سودجویی از آن بهره می‌برند، و هنگام سیرابی آن ظرف را مانند سواره به پشت سرش می‌افکنند.) این دو دسته هرگز از قرآن بهره‌مند نمی‌شوند و نجات نمی‌یابند. ۳- انسان‌هایی که قرآن می‌خوانند و داروی قرآن را بر دل دردمندشان می‌نهند، و برای (خواندن و تدبر در) قرآن شب زنده‌داری کنند، و روزشان را با روزه به پایان رسانند، و نمازشان و جایگاه‌های نمازشان را بر اساس آن، اقامه نمایند، و به خاطر قرآن، از بستر خواب، برای عبادتدوری کنند، خداوند عزیز و قادر به برکت وجود این گروه، بلاها را دور می‌سازد، از شر دشمنان جلوگیری می‌نماید و از آسمان باران می‌فرستد. و در پایان فرمود: سوگند به خدا در میان قرآن خوانان، چنین گروهی از کبریت احمر کمیاب ترند.»

امام سجاد (ع) هنگامی که قرآن را تا آخر تلاوت می‌کرد، دعایی می‌خواند، که در فرازی از آن دعا چنین آمده است: خدایا چون ما را برای تلاوت آیات قرآن، یاری فرمودی، و دشواری (و عدم شیوایی) زبان‌های ما را به زیبایی و شیوایی عبارت‌های قرآن آسان نمودی، پس ما را به گونه‌ای قرار بده تا حق قرآن را آن گونه که هست رعایت کنیم.»

رسول اکرم (ص) در تفسیر آیه ۱۲۱ بقره: «یتلونه حق تلاوته، مومنان، کتاب آسمانی را آن گونه که شایسته آن است می‌خوانند.» فرمود: «یتبعونه حق اتباعه؛ آن گونه که سزاوار پیروی است، از قرآن پیروی می‌کنند.»

از سوی دیگر فرمود: «رب تال القرآن، والقرآن یلعنه؛ چه بسیارند تلاوت کنندگان قرآن، که قرآن آنها را لعنت می‌کند.»

این گفتار و ده‌ها گفتار دیگر در این خصوص، از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) حاکی از آن است که ارزش تلاوت قرآن به این است که آمیخته با توجه و تدبر، و تصمیم بر عمل به دستورهای قرآن باشد، و تحقق و انس حقیقی با قرآن به چنین برنامه‌ای بستگی دارد. وگرنه خوارج نهروانی، دشمنان خونخوار امیرمؤمنان علی (ع) همه از قاریان قرآن بودند، ولی از قرآن، فقط قافش را می‌دانستند، از این رو حضرت علی (ع) را که سراپا توحید بود، کافر خوانده، با او جنگیدند.

پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و اولیای خدا، با قرآن بسیار انس و الفت داشتند، و از فیوضات ظاهر و باطن آن بهره

می‌بردند، تنها به قرائت ظاهر آیات قرآن اکتفا نمی‌کردند، بلکه در آیات آن تدبیر می‌نمودند و آیات را با تانی و شمرده و با صدای زیبا و جذاب و با توجه به معانی آن، و تصمیم بر عمل به آن، می‌خواندند؛ به عنوان مثال، در قرآن صدها بار جمله «یا ایها الذین آمنوا! ای کسانی که ایمان آورده‌اید.» آمده است، حضرت رضا(ع) هرگاه هنگام تلاوت آیات قرآن به این آیه می‌رسید و آن را می‌خواند، بی‌درنگ می‌گفت: «لبيك اللهم ليبيك! اجابت می‌کنم فرمان و دعوت تو را ای خدا، اجابت می‌کنم.» این مطلب بیانگر آن است که امامان معصوم(ع) با توجه و تدبیر، آیات قرآن را می‌خواندند، و همان دم تصمیم می‌گرفتند به دستورهای خدا عمل نمایند.

امام خمینی - قدس سره - در ظاهر و باطن، رابطه بسیار گرمی با قرآن داشت، و از آن، استفاده‌های فکری و عملی فراوانی می‌کرد، قرآن بزرگ‌ترین تکیه‌گاه مطمئن و نیروبخش برای پیشبرد اهداف او بود، او می‌فرمود: «اگر خداوند داستان‌های پیامبران در برابر طاغوت‌ها را در قرآن ذکر کرده، موسی و فرعون، ابراهیم و نمرود... را تذکر داده، منظورش داستان سرایی نبوده، بلکه منظور تبیین برنامه پیامبران در برابر طاغوت‌هاست؛ یعنی ما نیز که پیرو قرآن هستیم، باید در برابر طاغوت‌ها تا سرحد نابودی آنها تلاش کنیم.» مکرر می‌فرمود: قرآن یک کتاب انسان‌سازی کامل است، و برای آن نازل شده که انسان بسازد. امام خمینی بخش مهمی از زندگی‌اش را حتی در دوران جنگ، و در دوران بیماری آخر عمر، با قرآن مانوس بود، و با تلاوت آیات قرآن، و تدبیر در آن آیات، با خدا ارتباط پیدا می‌کرد.

یکی از اعضای دفتر ایشان در این باره می‌نویسد:

«هر روز حضرت امام خمینی(ره) دارای نظم و انضباط مخصوصی بودند، از جمله مقداری از وقتشان را با قرائت آیات قرآن سپری می‌کردند، و کارها آن چنان بر طبق نظم و برنامه‌ریزی بود که به طور عادی هیچ‌گاه توجه به کاری موجب تضییع کار دیگرشان نمی‌شد.»

امام در نیمه‌های شب که برای نماز شب برمی‌خواست، مدتی قرآن می‌خواند، حتی در اواخر عمر که بستری بودند، با دوربین مخفی از او فیلم گرفتند، و در تلویزیون، بسیاری مشاهده نمودند، که از بستر برخاست و نشست و قرآن را به دست گرفت و مشغول تلاوت آیات قرآن گردید.

شخصی قرآن‌هایی با قطع کوچک تهیه کرده و می‌خواست به جبهه بفرستد، به دفتر امام آورده بود تا آنها را تبرک کند، آن قرآن‌ها را نزد امام آوردند، و به عرض رسید: «اینها قرآن‌هایی است که شامل چند سوره است، خواسته‌اند که برای جبهه تبرک شود.» با این که همیشه حرکات امام به طور کامل، آرام و معتدل بود، ناگهان به طور بی‌سابقه‌ای، با شتاب و شدت مضطربانه‌ای، دستشان را عقب کشیدند، و با لحنی تند و عتاب آمیز فرمودند: «من قرآن را تبرک کنم؟! این چه کارهایی است که می‌کنید؟»

یک بار بدون توجه یک جلد قرآن را همراه چیزهای دیگر نزد امام آوردند و به زمین نهادند، امام با عتاب فرمودند: «قرآن را روی زمین نگذارید.» و بی‌درنگ دستشان را جلو آورده و آن را گرفتند و روی میزی که در کنارشان بود گذاشتند، امام در این هنگام روی کاناپه نشسته بودند، معلوم شد که امام نمی‌خواهند قرآن پایین‌تر از جایی که نشسته‌اند قرار گیرد.

یک بار نیز همه دیدند که حضرت امام(س) در یک مراسم ملاقات در حسینیه جماران، به طور استثنایی به جای آن که در جایگاه روی صندلی بنشینند، روی زمین نشستند، زیرا در آن روز برندگان مسابقه قرآن آمده بودند، و قرار بود در آن جلسه، چند آیه قرآن تلاوت شود.

حضرت امام هر سال چند روز قبل از ماه مبارک رمضان، دستور می‌دادند که چند ختم قرآن برای افرادی که مد نظر مبارکشان بود، قرائت شود.

در روایت آمده است: علی بن مغیره یکی از شاگردان وارسته امام کاظم(ع) به آن حضرت عرض کرد: «من مانند پدرم، در ماه رمضان، چهل بار قرآن را از آغاز تا پایان تلاوت می‌کنم - و گاهی بر اثر اشتغالات و نشاط و خستگی، کم و زیاد می‌شود - و در روز فطر، ثواب یک ختم قرآن را نثار روح پیامبر(ص) هدیه می‌نمایم، ختم دیگر را به امیرمومنان علی(ع)، و ختم دیگر را به حضرت زهرا(س) و ختم دیگر را به امام حسن(ع) و امامان دیگر تا شما، اهدا می‌نمایم، پاداش من در این کار چیست؟» امام کاظم(ع) فرمود: «لک بذلک ان تکون معهم یوم القیامه؛ پاداش تو این است که در روز قیامت هم‌نشین و همدم پیامبر(ص) و فاطمه و امامان(ع) خواهی

گفتم: «الله اکبر، براستی به چنین مقامی نایل می‌شوم؟» سه بار فرمود: آری.

پایان این گفتار را با ذکر سخن پیامبر اکرم (ص) در شان پاداش تلاوت قرآن، می‌آراییم که فرمود: مومنی که هر شب ده آیه از آیات قرآن را تلاوت کند، نامش جزء «غافلان» نوشته نشود، و اگر هر شب پنجاه آیه بخواند نامش جزء «ذاکران» نوشته شود، و اگر صد آیه بخواند، نامش جزء «فائزان» (بندگان خالص و فروتن) نوشته گردد، و هرگاه هر شب صد آیه بخواند، نامش جزء «فائزان» (رستگاران) ثبت می‌گردد، و هرگاه پانصد آیه بخواند، نامش جزء «مجتهدان» (تلاشگران راه حق) نوشته شود، و اگر هزار آیه بخواند، برای او در بهشت قنطاری از طلا که معادل پانزده هزار مثقال طلا است مقرر گردد، که هر مثقال آن ۲۴ قیراط است که کوچک‌ترین قیراط آن، همانند بزرگی کوه احد می‌باشد، بزرگ‌ترین آن به بزرگی بین زمین و آسمان است.